

رتبه‌بندی فعالیت‌های صنعتی ایران: چارچوبی برای عملیاتی کردن طرح راهبرد توسعه صنعتی کشور

محمدرضا عابدین مقانکی
(فوق لیسانس اقتصاد، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)

صنایع مصرفی بادوام در درجات بعدی اهمیت قرار می‌گیرند. صنایع سرمایه‌ای نیز در پایان فهرست جای می‌گیرند.

۱- مقدمه

توسعه اقتصادی از دیرباز مورد توجه اغلب دولتمردان و اقتصاددانان جهان بوده است. اما یک اقدام مهم در فرآیند توسعه، انتخاب بخش و زیربخش(های) مناسب برای برعهده گرفتن نقش پیش‌رو در اقتصاد است. در جهان امروز تدوین فرآیند توسعه بدون توجه به روند اقتصاد جهانی و توانمندی‌های کشورهای در رقابت با تولیدات سایر کشورها، نخواهد توانست با موفقیت چندان‌ی مواجه شود. به‌ویژه تولیدات بخش صنعت هر کشور با رقابت بسیار شدیدی در بازارهای جهانی مواجه‌اند، لذا نوع نگرش و توجه سیاست‌گذاران اقتصادی (صنعتی- تجاری) هر کشور به صنایع رقابت‌پذیر و آسیب‌پذیر زمینه‌های موفقیت یا شکست توسعه اقتصادی (به‌ویژه صنعتی) را فراهم می‌آورد. در این مقاله تلاش شده، جایگاه صنایع ایران (که براساس توان رقابت‌پذیری یا آسیب‌پذیری آن‌ها در بازارهای جهانی رتبه‌بندی شده‌اند)، در سیاست‌های

هدف این مقاله بررسی جهت‌گیری سیاست‌ها و راهبردهای صنعتی ایران در مواجهه با صنایع براساس توان رقابت‌پذیری آن‌ها در بازارهای جهانی است. در این راستا مایلیم مشخص کنیم که سیاست‌های صنعتی به‌ویژه راهبرد توسعه صنعتی کشور چه برخوردی با صنایع رقابت‌پذیر کشور داشته‌اند؟ ضمناً در جهت عملیاتی نمودن راهبرد توسعه صنعتی، چه صنایعی را باید در اولویت برنامه‌های خود قرار داد تا اولاً توان رقابت‌پذیری کشور افزایش یابد و ثانیاً امکان استمرار و توسعه صادرات فراهم شود.

براساس نتایج بدست‌آمده، صادرات کشور بیشتر در ده صنعت نخست دارای بالاترین توان رقابت‌پذیری کشور متمرکز شده است (این گروه در مجموع ۴۸/۳ درصد از صادرات صنعتی کشور طی سال‌های ۲۰۰۰-۳ را به خود اختصاص داده‌اند). همچنین هنگامی که دسته‌بندی صنایع براساس رقابت‌پذیری آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد، صنایع واسطه‌ای در بالاترین سطح قرار گرفته و بیشترین سهم را از آن خود می‌سازد. صنایع مصرفی کم‌دوام و



صنعتی کشور به‌ویژه براساس مندرجات طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور که مبنای برنامه چهارم توسعه در این زمینه است، مورد شناسایی و ارزیابی قرار گیرد.

مندرجات مقاله به‌شکل زیر ساخت یافته است. پس از مقدمه حاضر، مفاهیم مربوط به توسعه صنعتی مورد اشاره قرار می‌گیرد. در این قسمت، نقش صنعت در توسعه اقتصادی و سپس نقش برنامه‌ریزی در توسعه صنعتی مورد توجه قرار خواهد گرفت. پس از تعریف سیاست صنعتی، تجربه صنعتی شدن کشورهای منتخب جهان در قالب کشورهای در حال توسعه، کشورهای شبه‌صنعتی و کشورهای در حال صنعتی شدن مورد توجه اجمالی قرار می‌گیرد. بخش پایانی این قسمت مروری خواهد بود بر سیاست صنعتی در ایران که سابقه تاریخی طرح موضوع سیاست صنعتی در ایران و بسترهای مورد نیاز جهت تدوین یک راهبرد توسعه مناسب را مورد توجه قرار داده است. راهبردهای توسعه صنعتی تحت قالب پنج نوع نظریه استراتژی سرمایه‌گذاری صنعتی، راهبرد پول‌گرایان، راهبرد بازارباز، راهبرد تامین نیازهای اساسی جامعه و دیدگاه نئوکلاسیکی در قسمت سوم مقاله آورده شده است. طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور، نخستین و مدون‌ترین مجموعه‌ای است که در راستای طراحی سیاست‌های توسعه صنعتی کشور تهیه شده است. به‌همین دلیل راهبردهای مورد اشاره در آن به تفکیک صنایع مصرفی کم‌دوام، صنایع مصرفی بادوام و نیز صنایع تولید محصولات واسطه‌ای و سرمایه‌ای بیان شده‌اند. قسمت‌های پنجم و ششم به تبیین رتبه‌بندی صنایع، در طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور و نیز طبقه‌بندی صنایع رقابت‌پذیر بر اساس صنایع مورد نظر طرح پرداخته است. مقاله حاضر با ارائه جمع‌بندی و پیشنهاد پایان می‌یابد.

۲- توسعه صنعتی

توسعه بخش صنعت از جمله وظایف مهم دولت به‌شمار می‌آید. در کشورهای در حال توسعه از مواد اولیه و طبیعی موجود به نحو مطلوب استفاده نمی‌شود.^(۱) جهت اصلاح روند توسعه ابتدا باید برنامه مناسبی برای استفاده از منابع طبیعی طرح ریزی شود. در مرحله دوم و در صورت لزوم، صنایعی را برای استفاده از این منابع احداث کرد.

گسترش و توسعه صنایع تولیدکننده محصولات صادراتی و صنایع جانشین واردات برای توسعه سریع اقتصادی، از جمله وظایف دولت محسوب می‌شود. اکثر صنایع در حوالی شهرهای بزرگ تمرکز یافته‌اند و غالب شهرهای کوچک عقب مانده‌اند. این روند به نابرابری‌های منطقه‌ای دامن می‌زند. برای مقابله با تمام این مشکلات، دولت باید سیاست برنامه‌ریزی صنعتی را به منظور طراحی و اعمال برنامه‌های صنعتی اجرا کند. اهداف این برنامه‌ریزی صنعتی باید در جهت تشویق و توسعه صنایع روستایی، صنایع کوچک و بزرگ شهری باشد.

۲-۱- نقش صنعت در توسعه اقتصادی

صنعتی شدن جریان تولید کالاها، مصرفی و سرمایه‌ای و نیز ایجاد سرمایه جهت پروژه‌های بالاسری اجتماعی به منظور تولید و تهیه کالا و

خدمات برای مصرف‌کنندگان خصوصی و عمومی ضروری است. بدین ترتیب، صنعتی شدن نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی کشورهای جهان به ویژه در حال توسعه دارد. تجربه کشورهای توسعه یافته کنونی نشان می‌دهد، صنعتی شدن شرط لازم توسعه اقتصادی است، به طوری که در روند توسعه اقتصادی باید سهم بخش صنعت در تولید ناخالص ملی افزایش یابد. انتقال مرکز ثقل اقتصاد به بخش صنعت، تنها از طریق اعمال سیاست‌های صنعتی و انتخاب راهبردهای مناسب صنعتی ممکن است. به عقیده هیرشمن توسعه بخش صنعت به سود سایر بخش‌های دیگر اقتصاد نیز هست؛ زیرا بین بخش‌های مختلف اقتصاد ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. رشد بخش صنعت و به دنبال کشیدن سایر بخش‌های اقتصادی سبب افزایش اشتغال، تولید و درآمد در کل اقتصاد خواهد شد.^(۲) وی رشد نامتعادل اقتصادی در مراحل اولیه توسعه اقتصادی را به سود بخش صنعت دانسته و بیان می‌دارد، پس از آن که تولید صنعتی به روال مطلوب درآمد، سایر بخش‌ها مدرنیزه خواهند شد. بهترین روش آن است که کشورهای در حال توسعه با توسعه صنعتی شروع کنند و با عرضه عوامل تولید مورد نیاز سایر بخش‌های اقتصادی، رشد آن‌ها را تشویق کنند. ضمناً توسعه صنعتی برای ایجاد مشاغل جدید برای بیکاران پنهان بخش کشاورزی ضروری است.

به اعتقاد برخی اقتصاددانان، صنعتی شدن برای کشورهای در حال توسعه ضروری است، زیرا نرخ بازده و صرفه‌جویی‌های اقتصادی آن بیشتر از بخش کشاورزی است. این صرفه‌جویی‌ها نتیجه آموزش بهتر نیروی کار، استفاده از تسهیلات زیربنایی، روابط بیشتر و مستحکم‌تر بین صنایع گوناگون، اثر تقلید در تولید و مصرف و غیره است. جوامع روستایی بسته و ایستا هستند؛ در حالی که جوامع صنعتی باز و پویا هستند.

کشورهای در حال توسعه نیاز به صنعتی شدن دارند تا بتوانند با اثرات وخیم و منفی نوسانات قیمت مواد اولیه و محصولات کشاورزی صادراتی و نیز کسری در تراز پرداخت‌های خود مقابله کنند.

صنعتی شدن در کشورهای در حال توسعه، به مثابه یک عامل غرور انگیز موجب تقویت روحی - روانی مردم این کشورها می‌شود.

۲-۲- نقش برنامه‌ریزی در توسعه صنعتی

پی‌ریزی برنامه‌های عمرانی به مطالعات جداگانه زیادی درباره بخش‌های مختلف عادی و انواع سیاست‌های اقتصادی که بتوان آن‌ها را در یک چارچوب جمع آورد، نیاز دارد.

الگو برنامه‌ریزی جامعی که تمام عناصر راهبردهای جایگزین را دربرداشته باشد می‌تواند، به‌ویژه در مراحل اولیه طرح‌ریزی برنامه، مفید واقع شود. در این الگو، علاوه بر امکانات سیاسی و تشکیلاتی جامعه، تمام عناصر اقتصادی مطرح در الگوهای اولیه (اقتصاد سنجی) باید شرکت داده شود. در این صورت، راه عملی تنها بعد از در نظر گرفتن فرضیات جایگزین بمثابه اهداف اصولی و بنیادی قابل دستیابی است. سپس با استفاده از روش‌های محاسباتی باید اثر هر یک از متغیرهای جایگزین را آزمود تا همبستگی بین متغیرها به حداکثر برسد. روش استخراج عناصر جایگزین، شیوه‌ای است عملی که از روش‌های به حداکثر یا به حداقل

رساندن مطرح در روش های برنامه ریزی متکی بر مفاهیم ریاضی مناسبتر است.

نتیجه گیری های عملی از بررسی عناصر جایگزین می تواند پایه ای برای بحث های عملی بین برنامه ریزان و مجریان امور و سیاستمداران باشد که ملزم به تنظیم و طرح ریزی یک برنامه عمرانی برای کشور هستند. در این صورت، با استفاده از روش های مستدل و مقایسه بین عناصر مطرح در برنامه و عناصر جایگزین، داوری سیاسی دقیقتر خواهد بود. از آنجا که هر سیاستی، هزینه ای در پی دارد، تعیین اهداف و محدودیت ها بدون داشتن دانش کافی در مورد راه های جایگزین جهت تخصیص منابع، غیرمنطقی است. بنابراین دو مجموعه اهداف در برابر سیاستمداران و مجریان امور وجود خواهد داشت، شامل اهداف مطرح در برنامه و اهداف جایگزین. وظیفه آن ها، انتخاب مناسبترین اهدافی است که از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نفع جامعه را به حداکثر برسانند. الگوهای فعلی رشد به عنوان پایه ای برای سیاست توسعه اقتصادی با نواقص جدی روبرو هستند. سیاست گذاران اقتصادی با تأکید بر روابط بین پس انداز و سرمایه گذاری و امکان جایگزینی بین سرمایه و کار، از معادلات دیگری که به همین اندازه مهم هستند مانند تغییر در ساختار تقاضا، نقش تجارت خارجی و تخصیص منابع غفلت کرده اند. در نتیجه، تئوری های رسمی رشد از پرداختن به روابط میان ابزارهای توسعه اقتصادی که در واقع، باید یکی از وظایف مهم آن ها باشد، غافل مانده اند. الگوی سیاست گذاری اقتصادی باید شامل متغیرهای گوناگون اقتصادی باشد، تمام اهداف اقتصادی جامعه و ابزارهای اصلی دولت در دستیابی به آن ها را در برداشته و از همه مهمتر متضمن روابط زیربنایی بهتر برای این ابزارها باشد. الگوی توسعه اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه باید فهرستی از اهداف، ابزارهای دستیابی به آن ها و محدودیت های زیر بنایی را در برداشته باشد. هدف باید به حداکثر رسانیدن درآمد و اشتغال کامل باشد؛ ابزارهای مورد استفاده می تواند واردات سرمایه، سیاست اخذ مالیات، سیاست تجاری و تخصیص سرمایه گذاری باشد؛ محدودیت های پیش رو عبارت خواهند بود از ترکیب تقاضا، تراز پرداخت ها، عرضه نیروی کار و عرضه سرمایه. (۳)

۳-۲- سیاست صنعتی

سیاست صنعتی فعالیتی است که مطالعه، طراحی و تدوین آن توسط دولت انجام یافته و اعمال آن منجر به تغییر و ایجاد نظم جدیدی از تخصیص منابع در مجموعه نظام اقتصاد ملی می شود. به عنوان مثال سیاست های یارانه ای، تعرفه ای، حمایتی و غیره، همه از انواع سیاست صنعتی محسوب می شوند. براساس این تعریف، سیاست صنعتی یک مفهوم دوسویه است که از یک جهت با اعمال پاره ای تدابیر، به بهبود وضعیت عمومی بخش صنعت می انجامد و از طرف دیگر، به نوعی به دخالت دولت منتهی می شود که از نظر بسیاری از کارشناسان اقتصادی موجب اختلال در نظام بهینه بازار می شود.

موضوع سیاست صنعتی در کشورهای صنعتی در اوایل دهه ۹۰ میلادی، وارد دستور کار سیاستی این کشورها شده است. نقطه آغاز این

ماجرای مطرح شدن بحث "معجزه جنوب شرق آسیا" بود که براساس پیشرفت سریع اقتصادی و صنعتی کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا (ژاپن، کره جنوبی، تایوان، مالزی و سنگاپور) در بین اقتصاددانان و صاحب نظران کشورهای غربی و اروپا رواج پیدا کرد. تا دهه ۷۰ تفاوت زیادی بین کشورهای آسیای جنوب شرقی و ایران دیده نمی شد. از دهه ۸۰، ورود گسترده کشورهای جنوب شرق آسیا به بازارهای جهانی به ویژه تثبیت موقعیت ژاپن در بازارهای بین المللی (چه در فن آوری های موجود و چه در فن آوری های نوین)، سیاستگذاران صنعتی و اقتصادی جهان را متعجب کرد و به تدریج ایده جدیدی تحت عنوان "الگوی جنوب شرق آسیا" شکل گرفت.

مفهوم کلیدی که در این میان مطرح شد جایگاه "سیاست صنعتی" بود. نتیجه مطالعات آن ها این بود که ژاپن به خاطر دخالت دولت و سیاست صنعتی که اتخاذ کرده، توانسته به موفقیت های چشمگیر خود دست یابد. حتی در خود آمریکا راجع به این موضوع بحث دامنه داری صورت گرفت که موجب شد اشخاص سرشناسی در زمینه سیاست صنعتی نظریات جدیدی را مطرح کنند. ایالات متحده پس از سال ها مقاومت کنگره و سنا در برابر طرح موضوع سیاست صنعتی، آشکارا از لزوم داشتن سیاست صنعتی جانبداری کرده و گام های عملی نیز در جهت تبیین و اعمال چنین سیاستی، به ویژه در مقابل تهدیدهای رقبا یا طرف های تجارت خارجی خود (ژاپن، اروپا، چین، تایلند، کانادا و ...) برداشته است.

به هر حال برای روشن شدن مفهوم سیاست صنعتی بهتر آن است که در ابتدای امر روشن کنیم که سیاست صنعتی چه چیزی نیست. سیاست صنعتی حمایت از صنایع ناکارآمد نیست، ایجاد موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای درازمدت برای پشتیبانی از صنایع غیررقابتی نیست، ملی کردن صنایع نیست، افزایش سهم دولت در سرمایه گذاری و مالکیت صنعتی نیست و بالاخره جایگزین کردن تصمیمات بوروکرات های دولتی به جای سازوکار بازار نیست. سیاست صنعتی با سیاست های توسعه و اقتصاد کلان تفاوت هایی دارد. سیاست های توسعه بیشتر به مسائلی از قبیل درجه رشد و نحوه توزیع درآمد در تمامی بخش های اقتصادی، مناطق مختلف و گروه های اجتماعی می پردازد بدون آنکه تمرکز خاصی روی بخش صنعت و نیازهای یک برنامه صنعتی داشته باشد. محورهای مرکزی در سیاست های اقتصاد کلان، سیاست های مالی و پولی است. سیاست هایی همچون اصلاح قانون مالیات، یکسان سازی نرخ ارز، تثبیت نرخ بهره و سیاست های گمرکی که هزاران چندگاهی در سطح سیاست های اقتصادی کشور مطرح می شود، جزو این دسته سیاست ها هستند.

ژاپنی ها چندین دهه قبل، در مفاهیم اقتصاد کلان سرمایه داری، تجدید نظر اساسی کرده و سیاست صنعتی را به عنوان پایه سوم اقتصاد کلان در کنار دو پایه دیگر یعنی سیاست های مالی و پولی مطرح نمودند. امروزه در آسیای جنوب شرقی، یک پایگاه نظری قوی برای طراحی، اتخاذ و اعمال سیاست صنعتی وجود دارد که استنباط سنتی از اقتصاد کلان و توسعه را متحول کرده است. سیاست صنعتی به طور خلاصه عبارت است از مجموعه چشم اندازها، سیاست ها و اقدامات هماهنگ، هدفمند و مبتنی بر برنامه ریزی بلندمدت "دولت" در جهت ایجاد توانایی های نوین و

تحولات لازم برای تغییر ساختار فعالیت‌های موجود صنعتی یک کشور. اقدامات دولت در چارچوب سیاست صنعتی عبارت اند از:

- چشم‌اندازسازی در صنعت، از طریق هدفگیری صنایع منتخب و اولویت‌بندی آن‌ها

- سازماندهی بهینه رقابت بین بنگاه‌های فعال در یک رشته صنعتی
- اتخاذ سیاست‌های بازرگانی مناسب در جهت حمایت از صنایع منتخب و بنگاه‌های فعال در آن صنایع (البته به صورت زمان‌بندی شده و فقط در قبال دستیابی بنگاه‌ها به یک سری شاخص‌های عملکردی توافق شده)

- ایجاد محیطی باثبات در اقتصاد کلان از طریق اتخاذ سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری مناسب

بنابر این سیاست صنعتی به هیچ وجه به معنی دخالت‌های بدون برنامه دولت در فعالیت‌های صنعتی نیست، دخالت‌هایی که به جای برنامه‌ریزی سنجیده و موثر، بر مدیریت بحران‌ها در کوتاه مدت تمرکز داشته و در واقع به جای ارائه چشم‌انداز و شیوه‌های رسیدن به آن، فقط در صدد جلوگیری از زیان‌های ناشی از بحران‌ها می‌باشد.

۲-۴-۲-۴- سیاست صنعتی و تجربه صنعتی شدن در کشورهای در حال توسعه

آن‌چنان که انتظار می‌رفت سیاست صنعتی کردن که توسط کشورهای در حال توسعه در اولین مرحله از روند صنعتی شدن اتخاذ شده نتوانست منافع اجتماعی و اقتصادی زیادی را در برداشته باشد. برخلاف انتظار سیاست صنعتی کردن نتوانست از نابرابری‌ها در توزیع درآمد و ثروت، بیکاری و نابرابری‌های منطقه‌ای بکاهد. حتی سرعت توسعه اقتصادی در بخش‌های گوناگون، متفاوت بود. علاوه بر این، صنعتی شدن مشکلات جدی زیادی مانند رکود فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی، رشد قاچاق و طبقات فقیر در مناطق شهری، نارسایی مؤسسات آموزشی در قبال نیازهای توسعه اقتصادی، فساد در تشکیلات اداری و بوروکراسی گسترده، نرخ رشد زیاد جمعیت و نیروی کار را در پی داشته است.

اقتصاد دانان توسعه در مورد این مسئله که آیا توسعه اقتصادی باید از بخش صنعتی شروع شود یا اینکه به طور هماهنگ و همزمان در بخش‌های صنعت و کشاورزی آغاز شود، با یکدیگر اختلاف نظر دارند. ولی قدر مسلم این است که در کشورهای در حال توسعه موفقیت برنامه صنعتی شدن در گرو رشد هماهنگ و همزمان بخش کشاورزی بوده است. مسلماً توجه بیشتر به بخش صنعت در مراحل اولیه توسعه اقتصادی ضروری است، ولی این بدان معنی نیست که بخش کشاورزی به کل نادیده انگاشته شود. رشد ناهمگن بخش صنعت در مراحل اولیه روند توسعه اقتصادی در صورت همراه شدن با رشد همه جانبه بخش کشاورزی در مراحل بعدی، موفقیت‌آمیزتر خواهد بود. بی تردید در مراحل آغازین روند صنعتی کردن کشور، کشاورزی می‌تواند از طریق عرضه نیروی کار، مواد غذایی، مواد اولیه، تمرکز سرمایه و تشکیل درآمد، روند رشد صنعتی را تقویت کند.

اما تمامی کشورهای در حال توسعه در شرایط یکسانی قرار نداشته و به دو دسته کشورهای شبه صنعتی و کشورهای در حال صنعتی شدن تقسیم می‌شوند.

۱-۴-۲- کشورهای شبه صنعتی

کشورهای شبه صنعتی جهان شامل برخی از کشورهای آمریکای لاتین، شرق آسیا و کشورهای واقع در خاورمیانه است. در این کشورها، ممکن است بین ۴۰ تا ۶۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت را تولید ماشین‌آلات تشکیل دهد.

به طور کلی کشورهای شبه صنعتی دارای بخش‌های صنعتی خصوصی یا دولتی نسبتاً قوی هستند که در مراحل اولیه توسعه اقتصادی خود توانسته‌اند بر مشکلات کمبود سرمایه و نیروی کار غلبه کنند. ساختار صنعتی این کشورها توسط منابع مواد اولیه، مساحت، موقعیت جغرافیایی و برتری نسبی این کشورها در تخصیص منابع، تعیین می‌شود. راهبرد توسعه صنعتی اختیار شده توسط این کشورها بیشتر برون‌گرا و در چارچوب سیاست‌های صنعتی دولت‌های آن‌هاست. آن دسته از کشورهایی که سیاست‌های جان‌شینی صادرات را اختیار کرده‌اند سعی نموده‌اند در تولید یک یا چند محصول تخصص پیدا کنند؛ در حالی که کشورهایی که سیاست جان‌شینی واردات را برای توسعه صنعتی خود انتخاب کرده‌اند، سعی داشته‌اند توسعه صنعتی متعادلی را در پیش بگیرند، هر چند که در مراحل اولیه رشد صنعتی این مسئله به معنی مقیاس‌های ناکافی تولید است.

به طور کلی تمرکز جغرافیایی صنایع در این کشورها غالباً بیشتر از کشورهای صنعتی است، زیرا صنایع ماشین‌سازی آن‌ها معمولاً در مراکز محدود صنعتی تمرکز یافته است. صنایع دیگر نیز رشد نسبی داشته‌اند، اما صنایع اولیه ماشین‌آلات معمولاً در مراکز شهری تمرکز یافته‌اند. این مساله سبب بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی برای این کشورها شده است، زیرا فاقد تسهیلات زیربنایی و درآمد کافی برای بهبود سریع تسهیلات شهری هستند.

۲-۴-۲-۲- کشورهای در حال صنعتی شدن

تعداد زیادی از کشورهای واقع در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و مرکزی جزو کشورهای در حال صنعتی شدن محسوب می‌گردند. (۴) سهم بخش تولید ماشین‌آلات ۲۰ تا ۴۰ درصد ارزش افزوده در بخش تولید صنعتی است. تولید صنعتی برخی از این کشورها شامل صنایع تبدیل کننده مواد کانی است که در اغلب موارد توسط دولت‌های متبوع قویاً حمایت می‌شود. برخی از این کشورها هنوز در مراحل اولیه رشد صنعتی قرار دارند. اغلب صنایع در این کشورها مشغول تولید کالاهای مصرفی مورد نیاز بازارهای داخلی و کالاهای واسطه‌ای، به ویژه مواد ساختمانی مانند سیمان، آجر و غیره هستند. صنایع این کشورها در مراحل اولیه تولید کالاهای سرمایه‌ای به سر می‌برند. اندونزی و نیجریه از جمله کشورهای این گروه هستند که شروع به تولید کالاهای سرمایه‌ای کرده‌اند. بخش کشاورزی در این کشورها بسیار وسیع و بر بخش صنعت مسلط است. بجز کشورهای بزرگ این دسته، اکثر آن‌ها سیاست جان‌شینی واردات را که یک راهبرد درون‌گرایی توسعه صنعتی است، در پیش گرفته‌اند. بنابر این، هدف

اصلی این کشورها تولید در مقیاس‌های کوچک است تا بلوغ صنعتی از طریق کاهش قیمت و افزایش کیفیت تولیدات صورت پذیرد. کشورهای این گروه توانسته‌اند بر مشکلات اولیه کمبود سرمایه و نیروی انسانی برای توسعه صنعتی تا حدی غلبه کنند. دسته‌های بزرگی از مبتکران، متخصصان و مدیران داخلی در این کشورها تربیت شده‌اند، هر چند تعداد آنان کمتر از نیازهای این کشورهاست. همچنین کشورهای در حال صنعتی شدن توانسته‌اند در برخی از نواحی و رشته‌های انتخابی تسهیلات زیربنایی لازم برای رشد صنعتی کشور، مانند تأسیس بندرگاه‌ها، جاده‌های زمینی، عرضه آب آشامیدنی و کشاورزی و تأمین برق را ایجاد کنند؛ هرچند که میزان سرمایه‌گذاری‌های بالاسری اقتصادی در این کشورها هنوز ناکافی است.

۳-۴-۲- سابقه تاریخی طرح موضوع سیاست صنعتی در ایران

در ایران از آغاز حکومت پهلوی بحث سیاست صنعتی مطرح بوده و در هر دوره، تحت تاثیر ادبیات حاکم بر اقتصاد جهانی، برنامه‌هایی تدوین و اجرا شده که برخی موفقیت آمیز بوده و بعضی دیگر با شکست مواجه شده‌اند. از جمله این سیاست‌ها، راهبرد قطب‌های رشد صنعتی و ایجاد صنایع مادر یا "صنعت‌زا" بود که با وجود ابعاد بزرگ طرح، به علت آنکه مبانی آن بدرستی اخذ نشده بود با شکست مواجه شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با طرح موضوع خودکفایی به عنوان محور برنامه‌های اقتصادی، اساس تدابیر توسعه به انحراف کشیده شد و مکانیزم عملکرد بازار آزاد در اقتصاد کشور آسیب جدی دید. اجرای این سیاست، پیامدهای منفی گسترده‌ای را نظیر شیوع انواع کنترل‌های بی‌مورد دولتی، بازارهای دو یا چندگانه قیمت‌ها، مفاسد دولتی، رانت‌ها و غیره به دنبال داشت.

۳- راهبرد توسعه صنعتی

راهبرد به معنی تعیین مسیر و ایجاد وفاق بر روی یک مسیر توسط عاملین کلیدی است و آن عاملین از تعدادی سیاستگذار، صنعتگر، انجمن‌های علمی و صنفی و نهادهای آموزشی هستند و شکل دادن به این وفاق یک کار صرف مطالعاتی نیست. در ادامه برخی مبانی طراحی یک راهبرد مناسب توسعه صنعتی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۳-۱- راهبرد سرمایه‌گذاری صنعتی

این راهبرد توسعه صنعتی سال‌ها پیش توسط کشورهای مثل کره جنوبی، برزیل و هندوستان مورد استفاده قرار گرفته است. در راهبرد توسعه صنعتی، سرمایه‌گذاری صنعتی به منظور افزایش ارزش افزوده در کشور مورد توجه قرار می‌گیرد. در این استراتژی، سیاست تجاری از سیاست جایگزینی واردات تبعیت نموده و کشورها برای حمایت از صنایع داخلی با افزایش تعرفه‌ها اجازه ورود به کالاهای مشابه خارجی را نمی‌دهند. عدم توجه به کشاورزی و محور قرار گرفتن صنعت از اصول اولیه این پارادایم توسعه‌ای است. برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قیل از انقلاب تقریباً از این پارادایم

تبعیت کرده‌اند. در بعد از انقلاب نیز در برنامه‌های اول و دوم پس از گذشت ۳۰ سال از اولین تجربه، راهبرد صنعتی مجدداً تکرار شد.

۳-۲- راهبرد پول‌گرایان

راهبرد پول‌گرایان (مانی‌تاریست‌ها) نیز از راهبردهای توسعه‌ای است که برخی از کشورهای جهان برای رسیدن به رشد اقتصادی از آن پیروی کردند. مانی‌تاریست‌ها که در راس آن مکتب دانشگاه شیکاگو و اقتصاددان برجسته آمریکایی میلتون فریدمن ایستاده است، اعتقاد دارند که دولت در پروسه توسعه هیچ کاری نمی‌تواند بکند. هیچ برنامه‌ای وجود ندارد که بتوان با آن جامعه را به حرکت درآورد و رشد اقتصادی را مهیا کرد. از نظر مکتب شیکاگو دولت باید در فعالیت‌های اقتصادی هیچ کاری انجام ندهد، بلکه اجازه بدهد تا بازار آزاد کار خود را بکند و با عدم مداخله خود شرایط را برای رشد و توسعه کشور به وجود بیاورد. آن‌ها معتقدند نیروهای بازار از قدرتی برخوردارند که می‌توانند فعالین اقتصادی را به حرکت درآورند.

تنها نقشی که مکتب شیکاگو برای دولت قایل است آن است که حجم نقدینگی را کنترل کند و اجازه ندهد تا با افزایش و یا کاهش حجم نقدینگی شرایط تورمی و یا رکود بر جامعه مستولی شود. البته مکتب پول‌گرایان آنچنان به عملکرد دولت‌ها بی‌اعتماد هستند که اعتقاد دارند دولت‌ها به هیچ عنوان نمی‌توانند حتی این وظیفه (کنترل حجم پول) را نیز به خوبی انجام دهند. فریدمن معتقد است که تورم‌های سرسام‌آور در کشورهای جهان سوم و پیشرفته و همینطور رکودهای وحشتناک از جمله رکود بزرگ، نتیجه عملکرد دولت‌ها و بانک‌های مرکزی آن‌هاست.

مکتب شیکاگو اعتقاد دارد که حتی اگر بانک مرکزی وجود نداشته باشد بهتر است چرا که اگر فعل و انفعالات اقتصاد، حجم نقدینگی را خود تعیین کند شاهد عملکرد بهتری خواهیم بود.

به هر حال این تجربه در کشورهایی مثل شیلی و آرژانتین پیاده شد و آن‌ها تا زمانی که به این روش پایبند بودند، نتایج خوبی گرفتند. راهبرد مکتب پول‌گرایان یک راهبرد تثبیت است چرا که با کنترل حجم پول، ثبات به جامعه می‌بخشد و فضا را برای رشد و توسعه مهیا می‌کند.

۳-۳- راهبرد بازار باز

سومین راهبرد توسعه‌ای مطرح، راهبرد بازار باز است. پیروان مکتب توسعه بازار باز معتقدند که موتور رشد و توسعه یک کشور در بازرگانی خارجی و صادرات است. از نظر این مکتب، سرمایه‌گذاری خارجی، صادرات و اساساً درگیر شدن با بازارهای خارجی از محورهای توسعه‌یافتگی است. این مکتب به شدت از سرمایه‌گذاری خارجی که هدف آن صادرات مجدد باشد حمایت می‌کند. براساس همین عقیده وظیفه دولت، حمایت از توسعه صادرات و ایجاد فضایی برای ورود سرمایه‌های خارجی است. نمونه موفق این تجربه کشورهای مالزی و تایوان است.

۳-۴- راهبرد تامین نیازهای اساسی جامعه

برخی از مکاتب، تامین نیازهای اساسی جامعه را به صورت یک راهبرد نگاه می‌کنند. نگاه این مکتب آن است که می‌توان با توزیع مجدد

که تولید علم و فن شناختی می‌کنند راحت‌تر کند و به آن‌ها برای خلق فن شناختی و ارتباط گسترده با بنگاه‌های اقتصادی کمک نماید و دست آخر اینکه کشور باز شود و در یک فضای کاملاً رقابتی تنفس کند. به‌طور کلی بیان دو نکته، حائز اهمیت است که:

- بسیاری از کشورها با استفاده از تلفیق دو یا چند راهبرد فوق به توسعه رسیده‌اند. به‌عنوان مثال کره فقط از گزینه سرمایه‌گذاری صنعتی استفاده نکرده و تایوان نیز فقط از راهبرد بازار باز برای توسعه صنعتی سود نبرده، بلکه از ترکیب این دو که هم سرمایه‌گذاری صنعتی و هم توجه به صادرات را در بردارد، استفاده کرده‌اند که البته نتایج مثبتی را در برداشته است.

- بحث دخالت و یا عدم دخالت دولت در اقتصاد، باید با دقت بیشتری مورد توجه و بررسی قرار گیرد. اولاً در دهه ۹۰ شاهد تحولاتی در دیدگاه‌های مدیران اقتصادی جهان هستیم که متاثر از دستاوردهای سیاست‌های صنعتی دولت‌هایی همچون دولت‌های شرق آسیا می‌باشد. این دیدگاه که از آن به‌عنوان "معجزه شرق آسیا" یاد شده، تا آنجا پیشرفت کرده که مقامات بانک جهانی نیز رسماً به آن اذعان نموده‌اند. به‌طوری که هم‌اکنون بحث بر سر نوع دخالت دولت مطرح است و نه میزان آن. هم‌اکنون در کشورهایی که داعیه اقتصاد و بازار آزاد دارند، هم‌اکنون این دخالت‌ها به‌صورت مختلف از انتخاب فن شناختی‌ها و اولویت‌های توسعه فن شناختی و صنعتی تا وضع تعرفه‌های گوناگون و اتخاذ سیاست‌های بازرگانی و مالی مختلف در حمایت بخش خصوصی اعمال می‌شود که نمونه بارز آنرا در وضع مقررات تعرفه گمرکی بر روی واردات فولاد و انتخاب اولویت‌های فن شناختی در آمریکا می‌توان دید.

۳-۶- بسترهای موردنیاز جهت تدوین یک راهبرد توسعه مناسب

الف) نخستین گام در مسیر تدوین یک راهبرد صحیح برای توسعه صنعتی کشور انتخاب گزینه متناسب با شرایط کشور و اقتضانات اقتصاد نوین است.

ب) استراتژی نویسی به معنای تعیین تکلیف برای صنایع و ایجاد اختلال در نظام بازار، از نظر آموزه‌های اقتصادی نوین مردود است. راهبرد توسعه صنعت کشور باید در جهت شفاف‌سازی، بسترسازی و فراهم آوردن ظرفیت‌های لازم برای توسعه صنایع حرکت کند و نه تأکید بر رشد صنایع خاص و ارائه برنامه‌هایی که مشخص نیست در شرایط متغیر و متحول امروزی چگونه ضمانت اجرایی می‌یابند.

ج) تدوین راهبرد توسعه صنعتی باید در فضایی شفاف و مشارکتی صورت گیرد. برای تدوین چنین راهبردهایی در

درآمد برای تامین نیازهای اساسی و معیشتی جامعه امکان رشد برای کلیه فعالین اقتصادی به وجود آورد. هنگامی که جامعه از حداقل نیازهای معیشتی برخوردار باشد با فراغ بیشتری می‌تواند به کار و تلاش که نتیجه آن توسعه اقتصادی کشور است بپردازد.

۵-۳- دیدگاه نئوکلاسیکی

در حال حاضر سردمداران این مکتب، دانشگاه‌های هاروارد و ماساچوست^(۵) هستند. بحث مکتب هاروارد آن است که نظام اقتصاد جهانی یک نظام اقتصاد آزاد است و دولت‌ها باید تا حد امکان دخالتشان را کم کنند و فاکتور مهم توسعه یافتگی در یک کشور توان رقابت‌پذیری آن در صحنه اقتصاد جهان است. این دانشگاه، برای نشان دادن توان رقابتی یک کشور حدود ۱۸۵ شاخص را با یکدیگر تلفیق و توان رقابتی کشورهای گوناگون را با آن اندازه‌گیری می‌کند. این مفهوم جدید یعنی رقابت‌پذیری باعث شده تا شاخص‌های قدیمی مثل تولید ناخالص ملی و درآمد ملی سرانه، معیار توسعه یافتگی نباشد و بدان‌ها تنها به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی نگریسته شود. از نظر رقابت‌پذیری، کشوری مثل سنگاپور با آنکه کشور کوچکی محسوب می‌شود و تولید ناخالص ملی آن کمتر از خیلی از کشورهای بزرگ است، در رتبه اول قرار دارد و آمریکا در رتبه دوم جای گرفته است. ایران به دلیل در اختیار نگذاشتن این اطلاعات در رتبه‌بندی جهانی با شاخص‌های جدید قرار ندارد.

سه راهبرد پول‌گرایان (مانی‌تاریست‌ها)، اقتصاد بازار باز و نئوکلاسیک از نظر روش بسیار به یکدیگر نزدیک هستند و هر سه به این مسأله اذعان دارند که دولت نباید در اقتصاد مداخله کند. آنچه این سه راهبرد را از یکدیگر متمایز می‌کند، تأکید مانی‌تاریست‌ها به سیاست‌های پولی برای حفظ ثبات اقتصاد، تأکید بازارگرایان به توسعه صادرات و بازرگانی خارجی و تأکید نئوکلاسیک‌ها بر ایجاد فضای رقابتی توسط دولت است.

نئوکلاسیک‌ها اعتقاد دارند که دولت نباید هیچ کار خاصی انجام دهد

و موضوع خاصی مثل پول و یا تجارت آزاد را محور قرار دهد. همچنین اعتقاد دارند که دولت باید فضای رقابتی را در هفت زمینه تقویت کند. دولت باید در اولین قدم بازار کار را شفاف و انعطاف‌پذیر کند، فضا را برای گسترش بازارهای مالی متنوع به وجود بیاورد، زیربنای فیزیکی از جمله اتوبان‌ها، بنادر و جاده‌ها را به کمک بخش خصوصی و یا خود به وجود بیاورد، به ایجاد فضایی برای فعالیت نهادهای اجتماعی و سیاسی سازگار با توسعه مثل بانک‌ها و بیمه کمک کند. از آنجا که محور توسعه در جهان رقابتی "نوآوری" است، باید فضا را برای فعالیت نهادهایی



سطح ملی معمولاً تعداد زیادی هم‌اندیشی و همایش برای جمع‌آوری دیدگاه‌های گوناگون صورت می‌گیرد. اتخاذ چنین تدابیری به پربارتر شدن برنامه و تسهیل در روند اجرایی آن کمک می‌کند.

علاوه بر این تکنیک‌های گوناگونی برای جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل روندها، هدفگذاری‌ها و تلفیق پروژه‌ها وجود دارد که از حساسیت فوق‌العاده زیادی برخوردارند و لازم است در گزینش آن‌ها، با استفاده از اساتید فن، حداکثر دقت به عمل آید.

د) راهبرد توسعه صنعتی نباید عاری از نوعی رویکرد آموزشی و هدایتی باشد. چرا که مجموعه مجریان این طرح به آموزش‌هایی در زمینه اجرای این‌گونه برنامه‌ها و تبیین اهمیت مساله نیاز دارند. باید دانست موفقیت در توسعه صنعتی کشور علاوه بر استراتژیست‌های زبده، به مجریانی قوی و آگاه نیز احتیاج دارد.

ه) راهبرد بخش صنعت، هم باید به مسائل درونی و هم به مسائل و خط‌مشی‌های پیرامونی بخش صنعت پردازد؛ مسائلی از قبیل شرایط حقوقی فعالیت صنعت، قوانین مالیاتی، قانون کار و قوانین نظام تجاری کشور در حد وسیع.

۴-۲- مروری بر طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی ایران

طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور، نخستین و مدون‌ترین مجموعه‌ای است که در راستای طراحی سیاست‌های توسعه صنعتی کشور تهیه شده است. در این مقاله طی یک ارزیابی کلی، نتایج ارائه شده در طرح با نتایج اولویت‌بندی صنایع کشور بر اساس توان رقابت‌پذیری آن‌ها در بازارهای جهانی مورد قیاس قرار می‌گیرد تا میزان توجه طراحان طرح (که آن را به سفارش وزارت صنایع و معادن به انجام رسانده‌اند) به صنایع رقابت‌پذیر و آسیب‌پذیر مشخص شود.

در بخش اول طرح، به بررسی ساختار موجود صنعت در ابعاد کلان و خرد، تحلیل اقتصاد کلان کشور، تصویر ادامه روند موجود صنعت، بررسی تجربه توسعه صنعتی در جهان و نیز تجربه عملکرد سیاست‌های صنعتی در کشور پرداخته شده است. در بخش دوم پس از بررسی گزینه‌های ممکن برای آینده صنعت، چشم‌انداز مطلوب اقتصاد و صنعت کشور در افق بیست سال آینده ترسیم گردیده است. مجموعه مطالب مطرح شده در بخش سوم کتاب، به مجموعه خط‌مشی‌هایی که می‌تواند شرایط لازم برای رشد و توسعه صنعتی فراهم کند اشاره کرده است. (۶)

اما بخش چهارم طرح تحت قالب راهبرد توسعه حوزه‌های صنعتی که مورد مذاقه این مقاله نیز قرار خواهد گرفت، به ارائه راهبرد برای طبقه‌بندی‌های صنعتی می‌پردازد. با بررسی مشخصه‌های اصلی طرف عرضه رشته فعالیت‌های صنعتی، ابعاد بیرونی حوزه‌های صنعتی و نیز از طریق تجزیه و تحلیل صنایع پیش‌تاز در توسعه صنعتی چند دهه اخیر و فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی برای حوزه‌های مختلف صنعتی، اطلاعات لازم برای ترسیم مسیر آینده حوزه‌های صنعتی فراهم شده که در نهایت به ارائه راهبرد و توسعه حوزه‌های صنعتی پرداخته است. در این قسمت با توجه به ماهیت عملکرد رشته فعالیت‌های مختلف صنعتی، مشخصات تقاضای داخلی و تحولات صنعتی جهان، تولیدات بخش صنعت کشور به

سه گروه مهم تقسیم شده است: گروه اول، صنایع تولید محصولات مصرفی کم‌دوام؛ (۷) گروه دوم، صنایع تولید محصولات مصرفی بادوام و گروه سوم، صنایع واسطه‌ای (۸) و سرمایه‌ای. (۹)

خصوصیات گروه‌ها و زیربخش‌های مربوطه، به همراه روند توسعه متناسب برای هر بخش و راهکارهای رسیدن به وضعیت مطلوب به شرح زیر ارائه شده است.

۱-۴- صنایع مصرفی کم‌دوام

بخش خصوصی به طور تاریخی بیشتر در حوزه رشته فعالیت‌های کم‌دوام (که به دو گروه بنگاه‌های کوچک و متوسط و بنگاه‌های بزرگ تقسیم می‌شوند) فعالیت کرده و وزن و جایگاه قابل توجهی را برای خود ایجاد نموده است. با توجه به سطح درآمد سرانه کشور، بخش قابل توجه تقاضای صنعتی خانوارها در این گروه از صنایع متمرکز است. ساختار موجود تولید در این حوزه رقابتی‌تر از حوزه‌های دیگر بوده و درجه انحصار و تمرکز کمتر است. در مجموع، در شرایطی که از یک سو سیاست‌های عمومی و محیطی ناظر به بخش صنعت، به طور تاریخی درون‌گرا بوده و در نتیجه این بخش از عدم کارایی‌های متعدد ناشی از این جهت‌گیری آسیب دیده و از سوی دیگر در ساختاری دولتی و انحصاری امکان رشد فعالیت‌ها و انگیزه‌هایی که می‌توانسته موجب بهبود کیفیت کالاها و ارتقا فن‌آوری شود فراهم نشده، تولیدکنندگان در فعالیت‌های صنعتی محصولات کم‌دوام با بهره‌گیری از فضای رقابتی داخلی تقاضای خانوارهای ایرانی و دخالت کمتر دولت در این حوزه‌ها، عملکرد نسبتاً مطلوبی از خود نشان داده‌اند.

فرآیند تولید این محصولات حتی در کشورهای صنعتی شرق آسیا، با بهره‌گیری از فن‌آوری ساده صورت می‌گیرد. این گروه از محصولات در دو مجموعه صنایع مبتنی بر منابع کشاورزی (۱۰) و صنایع با فن‌آوری پایین (۱۱) قابل طبقه‌بندی هستند.

ویژگی‌های اصلی این صنایع، عبارت‌اند از اینکه:

- در این گروه از صنایع تجربه صنعتی و یادگیری به عمل آمده در طول زمان، همچنان یک مزیت تلقی شده و می‌تواند در صورت مشارکت با شرکت‌های خارجی، زمینه‌گسترش صادرات محصولات به کشورهای منطقه پیرامونی، به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس را فراهم نماید.

- صنایع کوچک و متوسط سهم قابل توجهی را در عملکرد رشته فعالیت‌های این حوزه صنعتی دارا هستند.

- واحدهای تولیدی به لحاظ فن‌آوری فاصله زیادی با صنایع مشابه و مدرن در سطح جهان دارند. برخی از این واحدها (به‌ویژه در صنایع غذایی و نساجی) بدون بروز تحولی اساسی در فن‌آوری و شیوه‌های مدیریت، در سایه حمایت‌های مختلف دولت به حیات خود ادامه داده‌اند؛ در حالی که پویایی فرآیند توسعه صنعتی ایجاب می‌کند، بنگاه‌های صنعتی در مرحله‌ای متولد و در مرحله‌ای نیز از گردونه فعالیت خارج شوند.

در طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور، خط‌مشی‌هایی که در ارتباط با چگونگی تحقق رقابت‌پذیری در این گروه از صنایع (که با هدف تامین نیاز داخلی به همراه صادراتی شدن آن‌ها با ورود به بازارهای

منطقه‌ای توسعه پیدا خواهند کرد)، ارائه شده عبارت‌اند از:

۱- کمک به تشکیل خوشه‌های صنعتی از هر گروه از صنایع در قالب مناطق ویژه.

۲ ایجاد مشوق‌های مالیاتی برای تشکیل گروه‌های صنعتی بزرگ و کمک به تشکیل شرکت‌های بازرگانی مشترک برای بازاریابی موثر در حوزه‌های صادراتی.

۳- کمک به ارتقاء سیستم‌های مدیریت کیفیت و بهبود استاندارد.

۴- خصوصی سازی کلیه واحدهای دولتی در این حوزه صنعتی.

۵- انجام مطالعات توجیه اقتصادی بر روی واحدهای قدیمی، فرسوده و با فن آوری‌های منسوخ از صنایع نساجی و برخی بنگاه‌های بزرگ صنایع غذایی که با مالکیت بخش عمومی فعالیت می‌کنند و اتخاذ تصمیم در مورد تعطیلی این واحدها یا نوسازی آن‌ها.

۶- کمک به تشکیل شرکت‌های مشاوره برای شناسایی علل بروز مشکلات در واحدهای تولیدی، ارائه راه حل و محدود کردن کمک‌های دولت در قالب ذکر شده و اجتناب از پرداخت کمک‌های مالی بدون هدف.

۲-۴- صنایع مصرفی بادوام

محصولات این گروه در مجموعه فن آوری‌های میانی^(۱۲) و پیشرفته^(۱۳) قرار می‌گیرند. ویژگی‌های اصلی و مشترک مجموعه صنایع این گروه چنین بر شمرده شده است:

- نقش تعیین کننده فن آوری در فرآیند تولید این محصولات

- اهمیت بسیار زیاد مارک‌های تجاری در بازار محصولات

- برخورداری از کشش درآمدی تقاضای بیش از یک^(۱۴)

- اهمیت مقیاس تولید در کسب قدرت رقابتی

- پیچیدگی فرآیند تولید از نظر ارتباط‌های بین بنگاهی

صنایع مصرفی بادوام در مجموعه صنایع (کم دوام، بادوام و واسطه‌ای و سرمایه‌ای)، به طور تاریخی از کمترین نرخ رشد تولید و بیشترین میزان ناپایداری در تولید برخوردار بوده‌اند. از نظر کیفیت و قیمت نیز، این محصولات در عرصه رقابت بین‌المللی بیشترین میزان آسیب‌پذیری را داشته‌اند. سرعت بسیار زیاد در ایجاد تنوع در محصولات این گروه در سطح جهان و تمرکز سیاست‌های تولید در بعد سخت‌افزاری تولید و دادن اولویت به عمیق‌تر کردن تولید در داخل، از طریق جایگزینی واردات و غفلت از روند سریع تحولات فناورانه، بخشی از ابعاد مشکلات موجود در این حوزه است.

نکته مهم در مورد این گروه از صنایع آن است که به دلیل اینکه کشش درآمدی تقاضا برای این محصولات بیشتر از واحد است، مجموعه محصولات آن، در کشورهای در حال توسعه موفق در توسعه صنعتی، نقش پیشتاز را ایفا کرده‌اند. رشد سریع این صنایع در سایه سیاست‌های اقتصاد کلان مشوق صادرات و حضور در زنجیره‌های تولید جهانی، موجب شده تا صنایع سنگین و شیمیایی نیز بر اساس تقاضای صنایع بادوام توسعه پیدا کنند و از این طریق ارتباط‌های پسین در بخش صنعت این کشورها بسیار قوی شود. در کشور ما سیاست‌های نادرست درون‌گرایانه اقتصاد کلان در کنار سیاست‌های جایگزینی واردات، مجموعه این صنایع را به صورت

جزایر جدا از یکدیگر درآورده که ارتباط‌های ضعیفی با هم دارند.

بخش درخور توجهی از صنایع مهم این گروه، از طریق سرمایه‌گذاری‌های گسترده بخش دولتی ایجاد شده‌اند و یا از طریق مصادره و ملی شدن در مالکیت بخش دولتی قرار گرفته‌اند. این موضوع به ویژه در بنگاه‌های بزرگ صنعتی این گروه توجه برانگیز است. در مورد بخشی از بنگاه‌ها نیز که بیش از ۵۰ درصد از سهام آن‌ها متعلق به بخش غیردولتی است، به دلیل ساختار موجود توزیع سهام، کاملاً اداره بنگاه و مدیریت آن در اختیار بخش دولتی قرار دارد.

این گروه از صنایع دچار ناکارایی‌های متعددی می‌باشند که در مجموع موجب شده آسیب‌پذیری بسیار زیادی از نظر رقابت‌پذیری جهانی داشته باشند. همچنین، با توجه به رشد هر چند کند درآمد سرانه در کشور و فاصله زیاد کیفیت محصولات داخلی و انواع مشابه خارجی، تقاضا برای محصولات مصرفی بادوام خارجی روز به روز بیشتر افزایش پیدا می‌کند، که به طور طبیعی صنعت ناتوان داخلی را در معرض تهدید قرار می‌دهد. حمایت از صنایع ناکارای داخلی در این حوزه، در قالب ممنوعیت واردات و یا وضع تعرفه‌های سنگین، هزینه نسبی قاچاق کالا را پایین آورده و موجب می‌شود بخش غیررسمی اقتصاد گسترش پیدا کند. تشدید شکاف بین محصولات داخلی و خارجی، به تدریج فشاری منطقی را به نظام تصمیم‌گیری کشور وارد می‌کند که واردات این محصولات را آزاد کند تا مصرف‌کنندگان بتوانند با قیمت مناسبتر، محصول با کیفیت بهتر خارجی را خریداری کنند. طبیعتاً این سیاست مورد مخالفت تولیدکنندگان داخلی قرار می‌گیرند.

به منظور قرار گرفتن در زنجیره تولید جهانی به شکل تولید محصول نهایی و یا قطعات تولید در چنین حالتی، کشور ما با بهره‌گیری از یادگیری ناشی از تجربه و تولید و نیز با برخورداری از مزیت مکانی قرار گرفتن در مرکزیت بازاری بزرگ، از طریق اتصال به شرکت‌های فراملیتی و تولید با مارک‌های تجاری شناخته شده و معتبر با جذب سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ، در صنعت جهانی ادغام شده و با استانداردهای تولید جهانی، محصولات را به بازارهای خارجی صادر خواهد کرد. در این حالت، ضمن توسعه اشتغال و ارتقاء توان تولیدی و حضور مستمر بنگاه‌ها در بازارهای جهانی به بهبود و رشد مستمر فن آوری منجر خواهد شد.^(۱۵)

۳-۴- صنایع تولید محصولات واسطه‌ای و سرمایه‌ای

صنایع واسطه‌ای و سرمایه‌ای، تولیدکننده محصولات مورد نیاز بخش‌های دیگر صنعتی یا بخش‌های دیگر اقتصاد مثل بخش کشاورزی، خدمات یا ساختمان هستند. صنایع تولید مواد شیمیایی، صنایع پتروشیمی، صنایع تولید فلزات اساسی مانند فولاد، آلومینیوم و مس، صنایع تولید مواد معدنی و کانی‌های غیرفلزی و صنایع تولید تجهیزات ماشین‌سازی در این حوزه قرار می‌گیرند. صنایع تولید محصولات این گروه را می‌توان به سه دسته مهم تقسیم کرد. گروه اول صناعی هستند که به میزان درخور توجهی وابسته به منابع طبیعی کشور هستند و از بنگاه‌های بسیار بزرگ صنعتی تشکیل شده‌اند. نمونه این بنگاه‌ها، شرکت‌های بزرگ پتروشیمی یا صنایع تولید فلزات اساسی است. کشور

ما به دلیل برخورداری از منابع و ذخایر معدنی فراوان، دارای مزیت نسبی در محصولات مرتبط با این گروه است. لکن توجه به این نکته ضروری است که مزیت نسبی آنگاه معنی دارد که کشور بتواند با بهره‌گیری از صرفه‌جویی ناشی از هزینه حمل مواد اولیه معدنی، در موقعیت‌های مشابه و یکسان بین‌المللی، این محصولات را ارزانتر تولید کند. هم‌اکنون در عرصه رقابت جهانی، مفهوم مزیت نسبی جای خود را به مزیت رقابتی داده است. سازوکارهای نوین مدیریتی و فن‌آوری اطلاعات باعث شده کشورهای فاقده منابع



سیاستگذار که در دورترین فاصله نسبت به بنگاه قرار داد، در این قبیل موارد و تنزل سطح دولت به حوزه مدیریت بنگاه به دلایل متعدد، می‌تواند موجب از دست رفتن منابع و تضعیف صنعت شود.^(۱۷)

نویسندگان طرح معتقدند، دخالت‌های گزینشی از سوی دولت‌ها در کشورهای آسیای شرقی در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی که شرایط جهانی بسیار متفاوت با امروز بود موفقیت‌هایی را به دنبال داشت. در آن زمان فن‌آوری تولید ساده و بازارها بسیار کوچکتر بودند. در جهان امروز که به وسیله فن‌آوری‌های پیشرفته، روابط پیچیده

مدیریتی، بازارهای به هم پیوسته و تحولات سریع در نوع و کیفیت محصولات صنعتی شناخته می‌شود، اولویت‌گذاری تولید محصولات توسط دولت و برای افق بلندمدت آینده، پس‌رفتگی بزرگ در روند صنعتی شدن تلقی می‌شود. رویکرد جایگزین آن است که ویژگی‌های حوزه‌های مختلف صنعتی کشور در ابعاد مختلف تولید و سرمایه‌گذاری و نیز تقاضای داخلی از یک سو و مشخصه‌های صنعت جهانی و فرصت‌ها و تهدیدهای قابل پیش‌بینی در جهان صنعتی و منطقه پیرامونی از سوی دیگر مورد شناسایی قرار گرفته و خط‌مشی‌های مربوط به هر یک در جهت تحقق رقابت‌پذیری به عنوان محور اصلی راهبرد توسعه صنعتی کشور، تنظیم شود.^(۱۸)

به عبارت دیگر، طرح راهبرد توسعه صنعتی فاقد اولویت‌گذاری صنایع داخلی برای طی روند توسعه است.

تاکنون نیز به خاطر عدم وجود یک راهبرد صنعتی که اولویت‌های واقعی را معرفی نماید، همواره در کشور اولویت‌های نانوشته صنعتی مورد حمایت‌های بی‌هدف قرار گرفته‌اند.

بسیاری از صاحب‌نظران و مسئولین کشور ما تلخی این واقعیت که صادرات به جهان بیشتر بر منابع خام تکیه دارد و کمترین فرآوری روی آن‌ها انجام شده و در مقابل، محصولات فرآوری شده همان مواد را به چندین برابر قیمت وارد می‌کنیم را همواره حس نموده و گوشزد می‌کنند؛ اما اینگونه می‌اندیشند که دولت در زمینه بهبود این وضعیت نمی‌تواند هیچ اقدامی صورت دهد و بازار به خودی خود در جهت ارتقای سطح تولیدات حرکت خواهد نمود.

اما یکی از دلایل اهمیت اولویت‌بندی آن است که اگر در سطح کلان تکلیف اولویت‌ها روشن شده و با تعیین تکلیف برای سازمان‌های متعدد دولتی درگیر در هر مورد، یک تصمیم واحد و هماهنگ گرفته شود، آنگاه هر سازمانی به جای آنکه رای و نظر و تصمیم خود را دنبال نماید، به‌ایزاری جهت نیل به هدف غایی توسعه صنعتی تبدیل خواهد شد.

اجرای شدن راهبرد توسعه صنعتی بستگی به اقدامات دولت دارد. اگر دولت جایگاهی را برای سیاست‌سازی‌های اقتصادی طراحی کند و در این

طبیعی‌اند بتوانند از بسیاری از کشورهای در حال توسعه برخوردار از منابع فراوان، محصولات مشابه را ارزانتر تولید کنند. بهره‌برداری از مزیت نسبی در چارچوب راهبرد رقابت‌پذیری، تحولات ساختاری، مدیریتی و فن‌آوری را در حوزه این نوع صنایع الزامی می‌نماید. گروه دوم صنایعی هستند که کمتر به منابع طبیعی وابسته‌اند، مانند صنایع ماشین‌سازی؛ و گروه سوم صنایعی مانند تولید محصولات کانی غیرفلزی‌اند که از منابع طبیعی کشور استفاده می‌کنند. لیکن با توجه به ماهیت تولید در این صنایع، بیشتر بنگاه‌ها در قالب بنگاه‌های متوسط و کوچک تشکیل شده‌اند.^(۱۶)

۵- رتبه‌بندی صنایع در طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور

در بخش سوم از خلاصه طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور آمده است: "یکی از مسائل چالش برانگیز در تنظیم محتوای راهبرد توسعه صنعتی کشور، چگونگی برخورد آن با رشته فعالیت‌ها است. یک نوع رویکرد به این موضوع آن است که باید اولویت‌های سرمایه‌گذاری با تفصیل مناسب، بین رشته فعالیت‌های مختلف تعیین شود. به عنوان مثال راهبرد توسعه صنعتی روشن کند که آیا در آینده لازم است در تولید فولاد سرمایه‌گذاری شود یا خیر و مواردی از این قبیل، این نوع رویکرد سازگار با نظام‌های برنامه‌ریزی متمرکز و تخصیص اداری منابع است که از اساس در تعارض با رویکرد مدرن به توسعه صنعتی قرار دارد که مشخصه اصلی آن توسعه بخش خصوصی و دخالت نکردن دولت در تخصیص منابع است. توسعه مطلوب صنعتی، در گرو قرار گرفتن هر یک از عوامل موثر بر عملکرد صنعت در جایگاه مناسب خود است. تعیین اولویت در سرمایه‌گذاری، در جهان به شدت در حال تغییر امروز که باتحولات سریع فناوریانه، عمر محصولات هر روز کوتاهتر می‌شود و در سندی که نگاه بلندمدت به مقوله توسعه صنعتی دارد، می‌تواند عامل سکون و حتی انحراف و پس‌رفت صنعت باشد. امروزه این امر کاملاً بدیهی است که تصمیم در مورد نوع محصول تولیدی، چگونگی تولید، میزان تولید و بازار فروش در سطح مدیریت بنگاه‌های صنعتی است و تصمیم دولت به عنوان

ادامه جدول (۱) - سهم صنایع از صادرات کل و صادرات صنعتی کشور مبتنی بر رتبه‌بندی آن‌ها بر اساس قدرت

رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی طی دوره ۲۰۰۰-۰۳

کد	شرح	رتبه صنعت در رقابت‌پذیری	متوسط سهم از صادرات طی دوره	متوسط سهم از صادرات صنعتی
۳۳۱۰	تولید فرآورده‌های کوره کک	۱	۰/۰۲	۰/۳۳
۳۴۱۱	تولید مواد شیمیایی اساسی بجز کود و ترکیبات ازت	۳	۰/۹۸	۱۱/۳۶
۳۳۳۰	تولید فرآورده‌های نفتی تصفیه شده	۳	۱/۷۵	۲۰/۳
۱۸۱۰	تولید پوشاک به‌جز پوشاک از پوست خردار	۴	۰/۳	۳/۴۹
۳۷۳۰	تولید محصولات اساسی مسی	۵	۰/۴۸	۵/۵
۳۸۹۹	تولید سایر محصولات فلزی طبقه‌بندی نشده	۶	۰/۱۶	۱/۸۴
۱۹۱۱	دباغی و تکمیل چرم	۷	۰/۱۵	۱/۷۳
۳۵۳۰	تولید محصولات پلاستیکی بجز کفش	۸	۰/۳۳	۲/۶۷
۳۹۳۰	تولید وسایل خانگی طبقه‌بندی شده	۹	۰/۰۶	۰/۷۵
۳۶۹۱	تولید کالاهای سرامیکی غیرنسوز غیرساختمانی	۱۰	۰/۰۳	۰/۳۹
۳۹۳۳	تولید ماشین ابزار	۱۱	۰/۰۱	۰/۱۴
۳۹۳۴	تولید ماشین‌آلات معدن و استخراج	۱۲	۰/۰۳	۰/۳۴
۳۴۳۰	تولید قطعات و ملحقات برای وسایل نقلیه	۱۳	۰/۰۶	۰/۷۴
۱۷۱۱	آماده‌سازی و ریسندگی الیاف منسوج	۱۴	۰/۱۳	۱/۴
۳۹۳۹	تولید سایر ماشین‌آلات با کاربرد خاص	۱۵	۰/۰۱	۰/۱۳
۳۹۱۹	تولید سایر ماشین‌آلات با کاربرد عام	۱۶	۰/۰۶	۰/۷۳
۳۶۱۰	تولید شیشه جام	۱۷	۰/۱	۱/۱۹
۱۵۱۳	عمل‌آوری و حفاظت ماهی و فرآورده‌های ماهی	۱۸	۰/۱۹	۲/۳۴
۳۱۰۱	تولید خمیر کاغذ و کاغذ و مقوا	۱۹	۰/۰۱	۰/۱۳
۳۴۳۴	تولید صابون و مواد پاک‌کننده	۲۰	۰/۱۸	۳/۱
۳۶۹۴	تولید سیمان و آهک و گچ	۲۱	۰/۱۶	۱/۸۳
۱۵۱۳	عمل‌آوری و حفاظت میوه‌ها و	۲۲	۰/۳۴	۲/۸۱
۳۱۳۰	تولید سیم و کابل عایق بندی شده	۲۳	۰/۰۳	۰/۳۸
۳۱۵۰	تولید لامپهای الکتریکی و تجهیزات روشنایی	۲۴	۰/۰۲	۰/۳۴
۳۶۹۶	بریدن و شکل دادن و تکمیل سنگ	۲۵	۰/۱۳	۱/۳۳
۳۵۱۱	تولید لاستیک رویی، تویی و روکش کردن مجدد	۲۶	۰/۰۶	۰/۷۳
۳۱۳۰	تولید دستگاههای توزیع و کنترل نیروی برق	۲۷	۰/۰۴	۰/۴۱
۳۹۱۳	تولید پمپ و کمپرسور و شیر و سوپاپ	۲۸	۰/۰۳	۰/۳۵
۳۶۹۹	تولید سایر مصنوعات طبقه‌بندی نشده	۲۹	۰/۰۳	۰/۱۸
۳۴۱۳	تولید مواد پلاستیکی به شکل اولیه	۳۰	۰/۳۶	۲/۹۶
۳۸۹۳	تولید آلات برنده و ابزار دستی	۳۱	۰/۰۱	۰/۰۹
۱۹۳۰	تولید کفش	۳۲	۰/۳۷	۳/۰۹
۳۴۳۳	تولید انواع رنگ و روغن جلا	۳۳	۰/۰۴	۰/۴۳
۳۰۳۹	تولید سایر محصولات چوبی	۳۴	۰/۰۲	۰/۱۸



ادامه جدول (۱) - سهم صنایع از صادرات کل و صادرات صنعتی کشور مبتنی بر رتبه‌بندی آن‌ها بر اساس قدرت رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی طی دوره ۲۰۰۳-۲۰۰۰

کد	شرح	رتبه صنعت در رقابت‌پذیری	متوسط سهم از صادرات طی دوره	متوسط سهم از صادرات صنعتی
۳۴۲۹	تولید سایر محصولات شیمیایی طبقه‌بندی نشده	۳۵	۰/۰۴	۰/۴۱
۳۹۱۵	تولید تجهیزات بالابرنده و جابه‌جا کننده	۳۶	۰/۰۱	۰/۰۶
۳۴۳۰	تولید بدنه و اتاق برای وسایل نقلیه موتوری	۳۷	۰/۰۱	۰/۱۳
۱۵۴۳	تولید آب‌نیات و شکلات و نقل و	۳۸	۰/۰۸	۰/۹۱
۱۵۲۰	تولید فرآورده‌های لبنی	۳۹	۰/۰۳	۰/۱۹
۱۵۴۹	تولید سایر محصولات غذایی طبقه‌بندی نشده	۴۰	۰/۰۴	۰/۵۲
سهم صنایع نساجی				
۳۱۹۰	تولید سایر تجهیزات الکتریکی طبقه‌بندی نشده	۴۱	۰/۰۱	۰/۱۱
۲۸۱۱	تولید محصولات فلزی ساختمانی	۴۲	۰/۰۳	۰/۱۸
۳۴۱۳	تولید کود شیمیایی و ترکیبات ازت	۴۳	۰/۱۱	۱/۳۶
۱۷۳۱	تولید کالاهای نساجی ساخته شده به‌جز پوشاک	۴۴	۰/۰۳	۰/۳۳
۳۹۳۱	تولید ماشین‌آلات کشاورزی و جنگلداری	۴۵	۰/۰۳	۰/۲
۳۹۳۵	تولید ماشین‌آلات عمل‌آوری مواد غذایی	۴۶	۰/۰۱	۰/۰۸
۳۳۳۰	تولید گیرنده‌های تلویزیون و رادیو	۴۷	۰/۰۱	۰/۰۷
۳۶۹۹	تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی نشده	۴۸	۰/۰۱	۰/۱۷
۳۱۰۹	تولید سایر کالاهای کاغذی و مقوایی	۴۹	۰	۰/۰۵
۳۵۱۱	تولید و تعمیر انواع کشتی	۵۰	۰/۰۶	۰/۷۱
سهم صنایع دارو و مواد شیمیایی				
۳۴۲۳	تولید دارو و مواد شیمیایی مورد استفاده در پزشکی	۵۱	۰	۰/۰۴
۳۶۱۰	تولید مبلمان	۵۲	۰/۰۵	۰/۵۶
۳۵۱۹	تولید سایر محصولات لاستیکی	۵۳	۰/۰۴	۰/۴۵
۳۶۹۵	تولید محصولات ساخته شده از بتن	۵۴	۰/۰۱	۰/۱
۳۳۱۱	انتشار کتاب و بروشور و کتاب‌های موسیقی	۵۵	۰	۰/۰۵
۳۴۱۰	تولید وسایل نقلیه موتوری	۵۶	۰/۱۴	۱/۶۸
۱۵۴۴	تولید رشته و ماکارونی و ورمیشل	۵۷	۰/۰۵	۰/۵۹
۲۸۱۲	تولید مخازن و انبارها و ظروف فلزی مشابه	۵۸	۰/۰۳	۰/۳۵
۱۵۳۳	تولید نشاسته و فرآورده‌های نشاسته‌ای	۵۹	۰	۰/۰۴
۳۱۱۰	تولید موتورهای برق و ژنراتور	۶۰	۰/۰۳	۰/۳۵
سهم صنایع فلزی				
۳۱۰۳	تولید جعبه و کارتن و سایر وسایل	۶۱	۰/۰۱	۰/۱۵
۱۵۴۲	تولید قند و شکر	۶۲	۰/۰۱	۰/۰۸
۳۰۳۱	تولید ورقه‌های روکش شده و تخته چندلایی	۶۳	۰/۰۱	۰/۱
۳۳۳۰	تولید فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی	۶۴	۰/۰۱	۰/۱۷
۳۶۹۲	تولید محصولات سرامیکی نسوز-عایق حرارت	۶۵	۰	۰/۰۳
۳۳۳۰	تولید ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۶۶	۰	۰/۰۵
۳۹۱۴	تولید اجاق و کوره و مشعل‌های کوره	۶۷	۰	۰/۰۵
۳۹۱۳	تولید یاتاقان و دنده و چرخ دنده	۶۸	۰	۰/۰۴
۳۹۲۷	تولید سلاح و مهمات	۶۹	۰/۰۳	۰/۳

ادامه جدول (۱) - سهم صنایع از صادرات کل و صادرات صنعتی کشور مبتنی بر رتبه‌بندی آن‌ها بر اساس قدرت

رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۳

کد	شرح	رتبه صنعت در رقابت‌پذیری	متوسط سهم از صادرات طی دوره	متوسط سهم از صادرات صنعتی
۱۵۵۴	تولید نوشابه‌های غیرالکلی گازدار	۷۰	۰/۰۲	۰/۲۸
۳۵۹۱	تولید انواع موتور سیکلت	۷۱	۰/۰۱	۰/۱۷
۴۰۰۰	تولید ماشین‌آلات اداری و حسابگر و محاسباتی	۷۲	۰	۰/۰۲
۱۵۳۱	آماده‌سازی و آرد کردن غلات و حبوبات	۷۴	۰/۰۲	۰/۱۷
۳۳۱۳	تولید ابزارها و وسایل ویژه اندازه‌گیری	۷۵	۰	۰/۰۵
۲۵۹۲	تولید انواع دوچرخه و صندلی چرخ‌دار معلولین	۷۶	۰/۰۱	۰/۰۶
۲۹۲۶	تولید ماشین‌آلات برای تولید منسوجات و	۷۷	۰/۰۲	۰/۱۹
۳۹۱۱	تولید موتور و توربین-بجز موتورهای وسایل نقلیه	۷۸	۰	۰/۰۱
۲۶۹۴	تولید وسایل بازی و اسباب‌بازی	۷۹	۰/۰۲	۰/۲۷
۱۹۱۲	تولید کیف و جمدان و محصولات مشابه	۸۰	۰/۰۲	۰/۲۵
۳۱۴۰	تولید انباره‌ها و پیل‌ها و باتری‌های اولیه	۸۱	۰	۰/۰۵
۲۸۱۳	تولید مولدهای بخار بجز دیگ‌های آب گرم	۸۲	۰	۰/۰۴
۳۳۱۱	تولید تجهیزات پزشکی و جراحی	۸۳	۰	۰/۰۱
۳۵۹۹	تولید سایر وسایل حمل و نقل طبقه‌بندی نشده	۸۴	۰	۰
۲۶۹۳	تولید کالاهای ورزشی	۸۵	۰/۰۱	۰/۰۶
۲۹۲۳	تولید ماشین‌آلات متالوژی-ذوب فلز	۸۶	۰	۰/۰۱
۲۳۱۹	سایر انتشارات	۸۷	۰/۰۱	۰/۰۸
۲۳۲۱	چاپ	۸۸	۰	۰/۰۲
۲۵۳۰	تولید و تعمیر تجهیزات راه‌آهن	۸۹	۰/۰۱	۰/۱۲
۲۰۳۳	تولید مصنوعات نجاری و قفسه‌بندی و در	۹۰	۰	۰/۰۱
۳۶۹۱	تولید جواهرات و کالاهای وابسته	۹۱	۰/۰۲	۰/۱۹
۳۳۰۰	تولید رادیو و تلویزیون	۹۲	۰	۰/۰۴
۲۰۱۰	اره‌کشی و رنده‌کاری چوب	۹۳	۰	۰/۰۱
۳۳۱۰	تولید لامپ‌ها و لامپ‌های لوله‌ای الکترونیکی	۹۴	۰	۰/۰۲
۱۵۱۴	تولید روغن و چربی حیوانی و نباتی خوراکی	۹۵	۰/۱۲	۱/۳۷
۲۵۳۰	تولید وسایل نقلیه هوایی و فضایی	۹۶	۰	۰/۰۱
۱۸۲۰	عمل آوردن و رنگ کردن پوست خردار	۹۷	۰	۰/۰۲
۱۶۰۰	تولید محصولات از توتون و تنباکو-سیگار	۹۸	۰	۰
۳۳۱۳	تولید تجهیزات کنترل عملیات صنعتی	۹۹	۰	۰
۱۵۳۳	تولید خوراک دام و حیوانات	۱۰۰	۰	۰
۲۳۱۲	انتشار روزنامه و مجله و نشریات ادواری	۱۰۱	۰	۰
۲۷۱۰	تولید محصولات اولیه آهن و فولاد	۱۰۲	۰/۱۸۵	۹/۸۱
۱۵۱۱	عمل آوری و حفاظت گوشت و فرآورده‌های گوشتی از فساد	۱۰۳	۰/۱۶	۱/۷۹
۱۵۵۱	تولید الکل اتیلیک از مواد تخمیر شده	۱۰۴	۰	۰
۱۷۲۳	تولید قالی و قالیچه دستباف	۱۰۵	۰	۰

ادامه جدول (۱) - سهم صنایع از صادرات کل و صادرات صنعتی کشور مبتنی بر رتبه‌بندی آن‌ها بر اساس قدرت

رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی طی دوره ۲۰۰۰-۰۳

کد	شرح	رتبه صنعت در رقابت‌پذیری	متوسط سهم از صادرات طی دوره	متوسط سهم از صادرات صنعتی
۱۷۲۳	تولید طناب و ریسمان	۱۰۶	۰	۰
۱۷۲۹	تولید سایر منسوجات طبقه‌بندی نشده	۱۰۷	۰	۰
۱۷۳۰	تولید انواع پارچه و کالاهای کشیاف	۱۰۸	۰	۰
۲۳۱۳	انتشار نوار صوتی - صفحه گرامافون	۱۰۹	۰	۰
۲۳۲۳	فعالیت‌های خدماتی مربوط به چاپ	۱۱۰	۰	۰
۲۳۳۰	عمل‌آوری سوخت‌های هسته‌ای	۱۱۱	۰	۰
۲۴۲۱	تولید سموم دفع آفات و سایر فرآورده‌های	۱۱۲	۰	۰
۲۴۳۰	تولید الیاف مصنوعی	۱۱۳	۰	۰
۲۳۳۰	تولید ابزارهای اپتیکی و تجهیزات عکاسی	۱۱۴	۰	۰
۲۵۱۳	تولید و تعمیر انواع قایق و سایر شناورها بجز کشتی	۱۱۵	۰	۰
۲۶۹۲	تولید آلات موسیقی	۱۱۶	۰	۰

منبع: محاسبات پژوهش.

جدول (۲) - سهم گروه‌های صنعتی از صادرات صنعتی کشور مبتنی بر رتبه‌بندی آن‌ها بر اساس قدرت رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی

کد	سهم تراکمی از صادرات صنعتی			
	مصرفی کم‌دوام	مصرفی بادوام	واسطه‌ای	سرمایه‌ای
سهم ده صنعت نخست	۵,۲۱	۰,۰	۴۳,۳۰	۰,۷۵
سهم ده صنعت دوم	۳,۶۴	۰,۸۷	۳,۲۸	۱,۳۳
سهم ده صنعت سوم	۲,۸۱	۰,۱۸	۶,۸۴	۱,۳۸
سهم ده صنعت چهارم	۴,۱۹	۰,۳۱	۱,۷۸	۰,۰۶
سهم ده صنعت پنجم	۰,۸۴	۰,۱۳	۱,۶۱	۰,۳۹
سهم ده صنعت ششم	۰,۶۲	۳,۰۱	۰,۹۴	۰,۰۰
سهم ده صنعت هفتم	۰,۰۸	۰,۴۳	۰,۰۳	۰,۶۹
سهم ده صنعت هشتم	۱,۵۸	۰,۵۰	۰,۰	۰,۳
سهم ده صنعت نهم	۰,۲۵	۰,۲۸	۰,۰۴	۰,۰۷
سهم سایر صنایع	۳,۱۸۹	۰,۲۷۴	۹,۸۱۳	۰,۰۰۴

منبع: محاسبات پژوهش.

جایگاه که بهترین متخصصین اقتصاد حضور دارند راهبردهای توسعه صنعت، کشاورزی، خدمات و... مشخص و طراحی شود و تشکیلات دائمی برای تحقق این امر ایجاد شود می‌توان به اجرایی شدن این راهبرد خوشبین بود. اما در شرایط فعلی فاقد این جایگاه هستیم و ضروری است، ابتدا زیرساخت‌های لازم نیز طراحی شود تا این زیرساخت‌ها شکل گرفته و بر روی این بستر راهبرد توسعه صنعتی اجرایی شود.

امروزه در جهان، دسترسی به مواد اولیه و نیروی کار ارزان و حتی دسترسی به سرمایه، عوامل اصلی مزیت‌ساز در رقابت هستند، بلکه قابلیت‌های فناورانه و زیرساخت‌های مناسب ارتقای این قابلیت‌ها هستند که مزیت ایجاد می‌کنند.

۶- رتبه‌بندی صنایع رقابت‌پذیر و سهم از صادرات کشور

در جدول شماره (۱)، صنایع کشور براساس توان رقابت‌پذیری آن‌ها طی دوره ۲۰۰۰-۳ رتبه‌بندی و در گروه‌هایی ده‌تایی تقسیم شده‌اند. (۱۹) آن‌چنان که مشخص است، ده صنعت نخست از لحاظ توان رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی که به لحاظ تعداد کمتر از ده درصد صنایع را شامل می‌شوند، معادل ۴/۱۶ درصد از کل صادرات کشور و اندکی بیش از یک-چهارم (۲۵/۴۸) صادرات صنعتی کشور را به خود اختصاص داده‌اند. هنگامی که ده صنعت دوم را نیز به این گروه اضافه نموده و سهم بیست صنعت اول را می‌نگریم، ملاحظه می‌شود که این صنایع نیز یک‌سوم از کل صادرات صنعتی را مختص خود نموده‌اند. به عبارت دیگر آن‌چنانکه از روندهای مزبور قابل مشاهده است، هرچه از توان رقابت‌پذیری صنایع کشور کاسته می‌شود، سهم آن‌ها از صادرات کشور و به‌ویژه صادرات صنعتی کشور کاسته می‌شود.

۷- طبقه‌بندی صنایع براساس توان رقابت‌پذیری

با عنایت به آنکه طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور، با اولویت‌بندی صنایع جهت تبیین راهبرد برای آن‌ها مخالف است، بدیهی است که امکانی برای قیاس با اولویت‌بندی صنایع کشور بر اساس توان رقابت‌پذیری آن‌ها در بازارهای جهانی وجود نخواهد داشت. اما در فرآیندی تکمیلی، اقدام به تعیین درجه اهمیت صنایع رقابت‌پذیر کشور بر اساس تفکیک موردنظر طرح یادشده ورزیدیم تا یک بستر مناسب برای اولویت دادن به دسته‌بندی‌های صنایع کشور (مصرفی کم‌دوام، مصرفی بادوام و واسطه‌ای و سرمایه‌ای) فراهم شود. این امر به سیاستگذاران کمک می‌نماید تا در تخصیص منابع، هموار نمودن زمینه‌های توسعه صنعتی و زمینه‌سازی برای پیشبرد راهبردهای مدنظر ابتدا آن دسته از صنایعی را در اولویت قرار دهند که از توان رقابت‌پذیری بالاتری برخوردارند.

به منظور نیل به این هدف، صنایع کشور به ترتیب بر خور داری از توان رقابت‌پذیری اولویت‌بندی و در طبقات ده‌تایی قرار داده شدند. سپس سهم هر یک از دسته‌بندی‌های چهارگانه در این طبقات مشخص و در جدول (۲) ارائه شده است. (۲۰) بر اساس نتایج بدست‌آمده، ده صنعت دارای بالاترین توان رقابت‌پذیری در کشور، در مجموع ۴۸/۳ درصد از صادرات صنعتی ایران طی سال‌های ۲۰۰۰-۳ را تشکیل داده‌اند. (۲۱) از میان ده صنعت دارای

بیشترین توان رقابت‌پذیری، سهم صنایع واسطه‌ای بیش از سایر طبقات بوده است. این طبقه ۸۷/۷ درصد از صادرات صنعتی صورت گرفته توسط ده صنعت نخست را به خود اختصاص داده است. صنایع مصرفی کم‌دوام و صنایع واسطه‌ای هر یک با ۱۰/۸ و ۱/۶ درصد سهم از صادرات ده صنعت نخست کشور، در مقام‌های بعدی قرار می‌گیرند. هیچ‌یک از صنایع ده‌گانه جزو صنایع مصرفی بادوام محسوب نمی‌گردند. سه طبقه یادشده طی دوره ۲۰۰۰-۳، به ترتیب ۴۲/۳، ۵/۲۱ و ۰/۷۵ درصد از کل صادرات صنعتی کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

هنگامی که ده صنعت دوم با بالاترین توان رقابت‌پذیری مدنظر قرار می‌گیرد، ترتیب طبقات صنعتی اندکی تغییر می‌کند. به طوری که ۴۰ درصد از صادرات این گروه ده صنعتی توسط صنایع تولید مصرفی کم‌دوام و ۳۶ درصد آن توسط صنایع واسطه‌ای صورت می‌پذیرد. سهم صنایع سرمایه‌ای و مصرفی بادوام به ترتیب ۱۵ و ۱۰ درصد می‌باشد. هر چند ترتیب صنایع در گروه ده صنعت دوم تغییر کرده، لیکن بدلیل سهم اندک این صنایع از کل صادرات صنعتی، هنوز صنایع واسطه‌ای در میان بیست صنعت نخست از اهمیت بالاتری نسبت به سایر گروه‌ها برخوردار است. سهم صنایع مصرفی کم‌دوام در میان ده صنعت دوم در حد ۳/۴ درصد محدود بوده است. صنایع واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی بادوام از صادرات ده صنعت رقابت‌پذیر کشور به ترتیب معادل ۳/۲۸، ۱/۲۳ و ۰/۸۷ درصد است. هر چند ترتیب سهم گروه‌های صنعتی در دهک‌های بعدی یکسان نیست، اما در مجموع می‌توان صنایع واسطه‌ای به لحاظ اهمیت صادراتی در مقام نخست قرار گرفته و صنایع مصرفی کم‌دوام، صنایع مصرفی بادوام و صنایع سرمایه‌ای به ترتیب جایگاه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند.

۸- جمع‌بندی

آن‌چنان که بیان شد، در طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور، اقدامی در راستای اولویت‌بندی صنایع جهت تبیین راهبرد آن‌ها صورت نپذیرفته است. اما در این مقاله به سبب ارائه راهنمایی مناسب جهت سیاستگذاران صنعتی که مایلند با تخصیص بهینه منابع عملیاتی کردن پیشنهادات طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور را به پیش ببرند، درجه اهمیت صنایع رقابت‌پذیر کشور بر اساس تفکیک موردنظر طرح یادشده تعیین گردید.

بر اساس نتایج بدست‌آمده، صادرات کشور بیشتر در ده صنعت نخست دارای بالاترین توان رقابت‌پذیری کشور متمرکز شده است (این گروه در مجموع ۴۸/۳ درصد از صادرات صنعتی کشور طی سال‌های ۲۰۰۰-۳ را به خود اختصاص داده‌اند).

هنگامی که دسته‌بندی صنایع بر اساس رقابت‌پذیری آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد، صنایع واسطه‌ای عموماً در بالاترین سطوح قرار گرفته و بیشترین سهم را از آن خود می‌سازند. صنایع مصرفی کم‌دوام، صنایع مصرفی بادوام و صنایع سرمایه‌ای به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند.

با عنایت به نتایج حاصله، سیاستگذاران اقتصادی در عملیاتی نمودن طرح راهبرد توسعه صنعتی کشور باید گروه‌های صنعتی اولویت‌دار به لحاظ برخوردار از توان رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی را مورد توجه جدی تری

قرار دهند. با این اقدام علاوه بر آنکه رقابت پذیری صادراتی کشور حفظ می شود، به مرور بر میزان آن نیز افزوده خواهد شد.

پی نوشت ها:

۱- قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۳).

۲- همان.

3-Tinbergen, J. (1956).

۴- قره باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، نشرنی، تهران، ۱۳۷۳.

5-MIT.

۶- نیلی، مسعود و همکاران، خلاصه یافته های طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور، وزارت صنایع و معادن، تهران، ۱۳۸۳.

۷- صنایع مصرفی به صنایعی اطلاق می شود که محصول حاصله از آن ها در یک دوره زمانی کوتاه توسط مصرف کننده مورد استفاده قرار می گیرد که در اینجا به دو دسته صنایع مصرفی کم دوام و بادوام تقسیم شده است. صنایع مصرفی کم دوام شامل تولید مواد غذایی، نساجی، پوشاک و تولیدات روزمره زندگی مثل تولید مواد شیمیایی مصرفی خانوارها می شود؛ صنایع مصرفی بادوام، صنایع تولید وسایل و لوازم خانگی (یخچال، تلویزیون، لباسشویی و غیره) تولید وسایل نقلیه موتوری، تولید وسایل نقلیه غیر موتوری، تولید مبلمان و مصنوعات فلزی و تولید محصولات الکترونیکی (فن آوری اطلاعات) را دربرمی گیرد.

۸- صنایع واسطه ای به صنایعی گفته می شود که محصولات آن ها در تکمیل فرآیند دیگری مورد استفاده قرار می گیرد. که صنایع شیمیایی، صنایع فلزات اساسی، محصولات پتروشیمی و تولید مواد معدنی در آن جای می گیرند.

۹- صنایع سرمایه ای، صنایعی را دربرمی گیرد که محصولات آن ها در بلندمدت و به منظور تولید سایر محصولات استفاده می شود. ساخت ماشین آلات و تولید وسایل نقلیه سنگین صنایع این گروه محسوب می شوند.

10- Resource Based.

11- Low Technology.

12- Medium Technology.

13- High Technology.

۱۴- بالا بودن کشش درآمدی موجب می شود، رشد تقاضا برای محصول بیشتر از رشد درآمد سرانه مصرف کنندگان باشد. این امر تقاضای این محصولات را در کشورهای با درآمد بالا و هنگام رونق اقتصادی تقویت می کند.

۱۵- همان.

۱۶- همان.

۱۷- نیلی، مسعود و همکاران، خلاصه یافته های طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور، وزارت صنایع و معادن، تهران، ۱۳۸۳.

۱۸- همان.

۱۹- عابدین مقانکی، محمدرضا و همکاران، اولویت بندی صنایع ایران براساس رقابت پذیری در بازارهای جهانی با هدف منطقی نمودن سیاست های حمایتی تجاری، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران، ۱۳۸۵.

۲۰- هرچند در متن طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور، صنایع در سه طبقه مدنظر بوده، اما در این مقاله با قرار دادن صنایع واسطه ای و سرمایه ای در دو طبقه جداگانه، مجموع صنایع در چهار طبقه مدنظر قرار گرفته اند.

۲۱- عابدین مقانکی، محمدرضا و همکاران، اولویت بندی صنایع ایران براساس رقابت پذیری در بازارهای جهانی با هدف منطقی نمودن سیاست های حمایتی تجاری، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران، ۱۳۸۵.

منابع:

۱- اتی ریچارد، "اصلاح سیاست صنعتی در شش کشور بزرگ تازه صنعتی شده: نظریه اتلاف منابع"، ترجمه علی حبیبی، مجله گزیده مسائل اقتصادی-اجتماعی، شماره ۱۴۵.

۲- اوائل پیتر (۱۳۸۰)، توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس مخبر و عباس زندیاف، انتشارات طرح نو.

۳- رضو، محمدرضا، جزوه طرح پایه آمایش سرزمین برنامه سوم توسعه، بخش صنعت و معدن.

۴- عابدین مقانکی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۵)، اولویت بندی صنایع ایران براساس رقابت پذیری در بازارهای جهانی باهدف منطقی نمودن سیاست های حمایتی تجاری، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران.

۵- قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۳)، اقتصاد رشد و توسعه، نشرنی، تهران.

۶- کمیجانی، اکبر و میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۰)، ساز و کار سیاست راهبردی تجاری برای توسعه صادرات صنعتی ایران، پژوهش نامه بازرگانی (۲۱)، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی. تهران.

۷- نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۸۳)، خلاصه یافته های طرح تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور، وزارت صنایع و معادن، تهران.

8- A. Ganesh-Kumar, kunal Sen & Rajendra R. Vaidya, (2003). *International Competitiveness? Investment & Finance, A Case Study of India?* Routledge, London.

9- Fontagne, Lionel. Mimouni, Mondher (2000). "Openness, Trade Performance and Economic Development. ITC.

10- Porter, Michael E. (1990). *The Competitive Advantage of Nations*. New York. Free Press.

11- Monica Calcango. "The Evaluation of the Competitive Advantage Concept in Strategic Management Studies". Co Foscari University. Italy.

12- Peter Cornelius (2002). *Creating Value: From Comparative to Competitive Advantage*. Some Conceptual Issues, executive forum on national export strategies. ITC.

13- Tinbergen, J. *Economic policies, Principles and Design*, North Holland Publishing co.

14- www.imd.ch (International Institute for Management Development? Lausanne)